

موسیقی و نوروز در حوزه فرهنگ ایرانی

بهرز وجدانی



آن یاد شده و تأثیرات و نمود آن در تمامی رفتار، کردار و گفتارمان دیده می‌شود. موسیقی ملی کشورمان ریشه‌ای کهن و طولانی در پهنه تاریخی و جغرافیایی ایران زمین دارد و همانند موسیقی سایر اقوام و ملل جهان نمی‌توان برای آن مبدأ زمانی یا مکانی مشخص و روشنی قایل شد و یا اینکه آفرینش آن را به فرد یا افرادی نسبت داد. یا بهتر است این نظریه را در خصوص پیدایش موسیقی بپذیریم که: موسیقی همزاد بشر است و با خلقت او آغاز شده است.

بیشتر تاریخ‌نویسان و لغت‌نامه‌نویسان «جمشید» پادشاه پیشدادی را پایه گذار نوروز و رسمهای نیکوی آن دانسته‌اند و از رونق موسیقی آوازی و سازی در این دوران یاد کرده‌اند مسعودی در کتاب «مروج الذهب» جلد یک ص ۲۲۳ می‌نویسد:

«بیشتر مردمان بر این اعتقادند که نوروز در روزگار جمشید پدید آمد و در پادشاهی‌اش آئین شد.»
 «اگرچه در کهن‌ترین کتاب ایرانی یعنی اوستا از نوروز نامی نیست، لیکن از جمشید یاد شده است و به نوآوری‌های او اشاراتی رفته، همچنین در تاریخ «الامم والملوک» محمدبن جریر طبری و ترجمه آن از ابوعلی

جامعه پر سنت‌های شفاهی خود (رفتاری و گفتاری) صحنه نگذارند و آنچه را که از نسلی به نسل دیگر بصورت شفاهی و سینه به سینه به یادگار مانده است را نپذیرند، رفته رفته کارکرد این سنت‌ها ضعیف شده و به مرور فراموش خواهد شد. امروزه توجه بسیاری از ملت‌های جهان سوم به احیاء هویت ملی خود معطوف شده است. احیاء افتخارات ملی علاوه بر ایجاد وقایع و همدمی اجتماعی، واکنشی در مقابل فرهنگ‌های بیگانه نیز به حساب می‌آید که در شرایط کنونی سخت بدان نیازمندیم.

موسیقی لطیف‌ترین و زیباترین هنرهاست. زبانش و پیامش همدمی، دوستی، صلح و صفا را تبلیغ می‌کند. تمام مردم دنیا انواع احساسات درونی و بیرونی، غم و شادی، درد و رنج، عواطف و احساسات و بالاخره باورها و اعتقادات خود را به زبان موسیقی می‌سرایند. از این رو موسیقی از سایر هنرها تأثیرگذارتر است. موسیقی ایرانی نیز ازین اصل و قاعده جدا نیست. موسیقی ایرانی مجموعه‌ای است متشکل از تمام موسیقی‌هایی که از هزاران سال پیش تاکنون تحت نام‌ها و عناوین مختلف در ادبیات شفاهی و مکتوب ما از

پاسداری و گرامیداشت آداب و رسوم قدیمی ایران از جمله «عید نوروز» که پس از سپری شدن هزاران سال و پشت سر نهادن نشیب و فرازها همچنان به تازگی و اصالت، زیبایی و تابناکی در حوزه فرهنگ ایرانی برگزار می‌شود یکی از مهم‌ترین عناصر وحدت‌آفرین و ایجادکننده وقایع اجتماعی، همدمی و همسوئی تمام مردم ایران است.

نوروز خجسته، میراث گرانبهائی از نیاکان ما و مراسم و آئین‌های آن مجموعه‌ای از تجلیات ذوق و قریحه تمام نسل‌هایی است که به این آب و خاک و زیبایی‌های آن عشق ورزیده‌اند.

«در جوامعی که سنتها بشدت در فرهنگ مردم پابرجا مانده‌اند این سنت‌ها در واقع عناصر فرهنگی زنده بشمار می‌روند که هنوز در زندگی مردم کارکرد دارند. سنت شفاهی نه تنها روایات، مثل‌ها، ضرب‌المثل‌ها، ترانه‌های عامیانه یا عبارت دیگر سنت‌های گفتاری را شامل می‌شود بلکه سنت‌های رفتاری مانند شعائر، پوشاک و زیورآلات را دربرمی‌گیرد.»^۱

با توجه به مطالب فوق چنانچه تمامی اعضاء

محمد بلعمی وزیر آمده است:

«... و علما را بفرمود (جمشید) که آن روز که من بنشستم به مظالم شما نزد من باشید تا هر چه در او داد و عدل باشد بنمایید تا من آن کنم و آن روز که به مظالم نشست روز هرمز بود از ماه فروردین پس آن روز رسم کردند و بر گبران اکنون سنت گشت»^۲
فردوسی طوسی ضمن اشاره به مطلب فوق، حضور موسیقی را در مراسم نوروزی یاد می‌کند:
چو آن کارهای وی آمد بجای

ز جای مهی برتر آورد پای
به فرکیانی یکی تخت ساخت
چه مایه بدو گوهر اندر نساخت
که چون خواستی دیو برداشتی
ز هامون بگردون برافراستی
چو خورشید تابان میان هوا
نشسته بر او، شاه فرمان روا
جهان انجمن شد بر تخت اوی
از آن بر شده فره بخت اوی
به جمشید بر گوهر افشاندند
مرآن روز را، روز نو خواندند
سر سال نو، هرمز فرودین
بر آسوده از رنج تن، دل ز کین
بنو روز نو، شاه گیتی فروز
بر آن تخت بنشست فیروز روز
بزرگان به شادی بیاراستند
می ورود و رامشگران خواستند
چونین جشن فرخ از آن روزگار

بمانده از آن خسروان یادگار
ابوریحان بیرونی در کتاب آثارالباقیه صفحه ۲۱۹
در خصوص برگزاری مراسم عید نوروز در دربار
پادشاهان ساسانی می‌نویسد که:

«آئین پادشاهان ساسانی در پنج روز اول فروردین (نوروز عامه) چنین بود که شاه به روز اول نوروز ابتدا می‌کرد و عامه را از جلوس خویش برای ایشان و احسان بدانان می‌آگاهانید. در روز دوم برای کسانی که از عامه رفیع تر بودند یعنی دهگانان و اصل آتشکده‌ها جلوس می‌کرد. در روز سوم از برای اسواران و موبدان بزرگ و روز چهارم از برای افراد خاندان و نزدیکان و خاصان خود، در روز پنجم برای پسر و نزدیکان خویش و به هر یک از اینان درخور تربت اکرام و انعام می‌نمود و چون روز ششم فرا می‌رسید از ادای حقوق مردم فارغ می‌شد و از این پس نوروز از آن خودا بود و دیگر کس جز ندیمان و اهل انس و شایستگان خلوت نزد او نمی‌توانست برود. همچنین در ایام نوروز نواهایی خاص در خلوت پادشاه نواخته می‌شد که مختص همان ایام بود.»

در یثت‌ها گزارش استاد فقید پورداود آمده است:
«نیاکان ما هر یک از سی روز ماه را به نامی می‌خواندند. روز ششم را خرداد می‌نامیدند. خرداد روز در فروردین ماه آخرین روز جشن نوروز ایشان بود و «نوروز خردادی» یا «نوروز بزرگ» یا «نوروز خاصه» خوانده می‌شد و آن را بهترین و گرمای ترین روزها می‌دانستند و بر آن بودند که بسیاری از کارهای بزرگ در آن روز انجام گرفته و یا خواهد گرفت»



به عنوان یک رسم و آئین، پادشاهان ساسانی در ایام نوروز به عیش و نوش و شادی می‌نشستند و رامشگران درباری برای هر یک از روزها آهنگ ویژه‌ای ساخته و اجرا می‌کردند. به عنوان مثال نغمه‌های «باد بهار» یا «باد نوروز» (ساز نوروز)، «توبهاری»، «آئین جمشید»، فرخ روز به بارید نوازنده معروف دربار خسرو پرویز نسبت داده شده که در کلام شاعران معروف ایران از جمله نظامی آمده است:

چو در پرده کشیدی ساز نوروز

به نوروزی نشستی دولت آن روز

چو برگفتی سرود توبهاری

عرق گشتی گل از بس شرمساری

همانطور که در ابتدای مقاله و اشعار فردوسی آمده است بنیان‌گذار مراسم و آئین‌های نوروزی «جمشید» پادشاه پیشدادی بوده است ولی متأسفانه مستندات و اطلاعات دقیق و روشن ما درباره این مراسم بزرگ و باشکوه در زمانهای قبل از ساسانیان بسیار اندک است: «گرچه نوروز یکی از مراسم دیرین آریائیان است ولی اطلاعات ما درباره چگونگی برگزاری و آداب و رسوم آن از زمان هخامنشیان تجاوز نمی‌کند. از قریب‌ترین

شواهد موجود بویژه در کنده‌کاریهای تخت جمشید و کاخ آپادانا بر روی سنگ چنین استنباط می‌شود که در دوره هخامنشیان جشن نوروز باشکوه تمام برگزار می‌شده است و از همین جا می‌توان حدس زد که کلیه مراسم نوروزی در زمان هخامنشیان ساخته و پرداخته همان دوره نبوده بلکه از منتهای دوران پیش از هخامنشیان سرچشمه می‌گرفته و بسیاری از آن یادگار گذشته‌های دورتر بوده است.»^۳

در کشورمان شعر و موسیقی همواره در کنار هم آمده‌اند و بقول معروف هیچ‌گاه از یکدیگر بی‌نیاز نبوده و همیشه مکمل هم بوده‌اند. «آواز بیان احساسات و عواطف و هیجانات و اظهار شادی و تأثر است و ساز بازگوی آن احساسات. هر لحنی حالی را به خاطر می‌آورد و آن حال است که سبب نشاط و هیجان یا انزجار می‌شود و هر صوتی حالت و وضعی خاص را بیان می‌کند»^۴

با استفاده از دیوان شاعران بزرگ پارسی از قبیل فردوسی، منوچهری، نظامی، رودکی، فرخی و غیره نام‌های زیر در ارتباط با نوروز قابل بررسی و مطرح شدن می‌باشند:



چو در پرده کشیدی ساز نوروز

به نوروزی نشست دولت آن روز (نظامی)

چو بر گشتی سرود نوبهاری

عرق گشتی گل از بس شرمساری (نظامی)

دستانهای چنگش سبزه بهار باشد

نوروز کیهادی و آزادوار باشد (نظامی)

مطربان ساعت به ساعت بر نوای زیر و بم

گاه سروستان ز تند امروز و گاهی اشکنه

گاه زیر قیصران و گاه تخت اردشیر

گاه نوروز بزرگ و گه نوای اشکنه (منوچهری)

نوروز بزرگم بزنی ای مطرب امروز

زیرا که بود نوبت نوروز به نوروز (منوچهری)

در پرده نوروز بدین وزن غزل گفت

وز نی که همه مطلع فتح و ظفر آمد (سوزنی سمرقندی)

اکنون که مرغ پرده نوروز می زند

ای ماه پرده ساز خروش رباب کو (خواجوی کرمانی)

البته در متون قدیمی ادبی، تاریخی و موسیقی

فارسی نیز از نغمات نوروزی نام برده شده و ما می توانیم

در جای خود بدانها استناد کنیم ولی بقول شادروان

روح الله خالقی این نامها از لحاظ موسیقی کمکی بما

نمی کند:

«یکی از نواقصی که مدتها موسیقی ما داشته این

است که برای حفظ و ضبط نغمات خط مخصوصی در کار

نبوده با آنکه آثار شاعران و ادیبان ما و باقیمانده

نغمه های زیبا و آهنگهای موسیقی ما حافظی نداشته و

فقط سینه به سینه از استاد به شاگرد تلقین شده و

حافظه فراموش کار ما نیز اغلب آنها را از یاد برده است.

چنانچه در دیوان شاعرانی چون رودکی، فرخی،

فردوسی، نظامی و منوچهری نام بسیاری از نغمات

موسیقی ما محفوظ مانده ولی آهنگ این نواها که هر

یک اثر ذوق سازنده ای بوده از بین رفته است.»^۵

از آنجا که این مقاله به رابطه موسیقی و نوروز

اختصاص دارد شاید ذکر سایر نغماتی که به نحوی به

مراسم بزرگ آئینی مربوط می شوند خالی از استفاده

نباشد. موسیقی دانان و موسیقی نویسان سده های

اسلامی نیز در آثارشان از نغمات نوروزی همراه با

توضیحاتی که غالب آنها برای بیشتر علاقمندان

موسیقی ایرانی قابل درک و بازسازی نیست یاد کرده اند

که در اینجا از آنها نام برده می شود:

ناز نوروز (ساز نوروز)، یاد نوروز، نوروز خردک (نوروز

کوچک یا نوروز صغیر که به آن نوروز خارا نیز گفته اند)،

نوروز بزرگ (نوروز خاصه، نوروز سلطانی، نوروز

کیقبادی)، نوروز عرب، نوروز عجم، نوروز صبا، نوروز

اصل، نوروز بیاتی، نوروز رهاوی، نوبهار (نوبهاری)،

نوروزی.

از میان تمام نغمات فوق در ردیف کنونی موسیقی

ایرانی فقط ۳ نغمه زیر در دستگاههای همایون و راست

پنجگاه اجرا می شوند که معلوم نیست با آنچه تحت این

نامها در هزاران سال پیش اجرا می شده اند چقدر

شبهت یا تفاوت دارند:

نوروز عرب، نوروز صبا، نوروز خارا.

آنطور که از مطالب کتاب «فلسفه الموسیقی

الشرقیه» برمی آید نغمه «نوروز سلطانی» در موسیقی

عرب نیز ذکر شده است. صاحب کتاب «بهجت الروح»

نیز اعتقاد دارد که: «حضرت ابراهیم (ع) در آتش نمرود

در مقام حسینی و نوروز العرب ناله کردی». در کتب

موسیقی «نوروز عرب» را یکی از سی و دو مقام «علی

جرجانی» نیز دانسته اند. در موسیقی مقامی پس از

اسلام «نوروز» یکی از آوازهای شش گانه نیز به حساب

می آید: گوشه، گردانیه، سلک، نوروز، مایه، شهناز.

صفی‌الدین ارموی و عبدالقادر مراغی دو تن از بزرگان موسیقی ایران از نغمه‌های نوروزی در آثارشان نام برده‌اند و آهنگ نوروز (طریقه نوروز) در وزن زمل از جمله قدیمی‌ترین نغمات ایرانی است که توسط صفی‌الدین ارموی به خط موسیقی درآمده است و در صورتیکه موسیقی دانان پژوهش‌گر و متفکر ایرانی رمز و کلید نغمات آوانویسی شده توسط این نظریه پرداز بزرگ ایرانی را کشف کنند بسیار راهگشا خواهد بود. خوشبختانه در سالهای اخیر برخی از موسیقی‌دانان ایرانی از جمله آقای فرهاد فخرالدینی در این زمینه اقداماتی را آغاز کرده‌اند.

اصولاً در فرهنگ ایرانی «عید نوروز» با شادی، نشاط، امید، دید و بازدید و دهها صفات پاک انسانی مترادف است و بزرگان شعر و ادب، علم و دین بسیاری از کارها را صرفاً در این ایام نیکو یا مباح دانسته‌اند. برای مثال سعدی می‌فرماید:

ادمی نیست که عاشق نشود وقت بهار

هر گیمایی که به نوروز نجنبند حطاب است
امام محمد غزالی در صفحات ۴۴۷ و ۴۷۸ کتاب «کیمیای سعادت» خرید و فروش ابزار موسیقی را در عید نوروز حرام نمی‌داند:

«... و چنگ و چغانه و صورت حیوانات فروشد برای کودکان در عید و شمشیر و سپر چوبین فروشد برای نوروز و بوق سفالین برای سده و آنچه برای نوروز و سده فروشد چون سپر و شمشیر چوبین و بوق سفالین در نفس خویش حرام نیست اما برای اظهار شعار گبران حرام است.»

ابن حوقل در کتاب معروف خود «صوره الارض» صفحه ۳۱۰ در شرح مربوط استان اصفهان می‌نویسد: «کریئه بازاری دارد که مردم مانند آنکه در حج گردمی آیند در آن برای... و رامشگری و نوازندگی در هنگام نوروز تا هفت روز گردمی آیند و هرگونه خوشحالی می‌کنند و آرایشهای شگفتی آور نشان می‌دهند. کسانی که آنجا می‌آیند در آماده کردن خوراکیها و نوشابه‌ها و فراهم ساختن آنها چه از مردم شهر و چه کسانی که از دور جاها به آنجا می‌آیند خرج بسیار کنند و زیور بسیار ببندند و جامه‌های نیکو بپوشند و بزیمهای رامشگری و بازیگری برپا دارند و در این خوشگذرانی‌ها و بزیمها هم چشمی نمایند در فراهم ساختن نوازندگان زن و مرد. مردم در کنار رودخانه و بر بام کاخ‌ها آیند و نیز بازارها را پر می‌کنند از خوراکیها و نوشابه‌ها و کالاهای، شب را در این کار به روز پیوسته دارند و کسی متعرض ایشان نشود و شاهان ایشان این کارها را برای ایشان آزاد گذرانده‌اند از باستان زمان و هرچه ساعت و روز و سال گذشته کسی به ایشان تعرض نکرده و ایشان را از آن کارها باز نداشته.»

و بالاخره شاردن سیاح معروف فرانسوی که در دوره صفوی در ایران بوده در جلد دوم کتاب «سیاحتنامه شاردن» صفحات ۳۶۰ تا ۳۶۷ در شرح مراسم نوروزی در عهد صفوی از حضور نوازندگان به هنگام مراسم حلول سال نو در حضور پادشاه چنین می‌نویسد: «... منجمین لباس فاخر دربر کرده، یک یا دو ساعت پیش از اعتدال ربیعی برای تعیین تحویل آفتاب

به برج حمل، به کاخ سلطنتی و یا عمارت حکومت محل می‌روند و در پشت بام و یا روی مهتابی با اسطراب خود مشغول کار می‌شوند و به محض اینکه علامت دادند، برای اعلام حلول سال جدید شلیک می‌شود و صدای آلات موسیقی یعنی طبل و شیپور، نای و نقاره در هوا طنین انداز می‌گردد بدین ترتیب ترانه و طرب، جشن و سرور تماشاچیان و بزرگان مملکت آغاز می‌شود. در اصفهان در همه روزهای عید در مقابل در کاخ شاهنشاه، مراسم سرور با رقص و طرب، آتش‌بازی و صحنه‌های کم‌دی بمانند هفته بازار برگزار می‌گردد و هر فردی هشت روز عید را با شادی بی‌پایان بسر می‌برد.

شاهنشاه فقید، شاه عباس اول اندکی پیش از فوت خویش فرمان داده بود بمانند ایرانیان باستان تحویل آفتاب را در تمام بروج دوازده‌گانه در طی سال، با نوای نی و طنبور و ساز و شیپور تجلیل کنند ولی مرگ ناپهنگام و سریع شاهنشاه مزبور استقرار این آئین باستانی را فرصت نداد.»

موسیقی علاوه بر حضور گسترده در مراسم نوروزی دربار پادشاهان و خواص و مردم شهری در مراسم نوروزی ایلات و عشایر و روستائیان ایران نیز باشکوه و جلوه خیره‌کننده‌ای دیده می‌شود که به نوبه خود دیدنی و قابل بحث است. برای جلوگیری از اطاله کلام به ذکر نمونه‌های شاخص و معروف این نوع موسیقی می‌پردازیم.

۱- نوروزی خوانی در گیلان و مازندران

«سرودهای نوروزی که با آهنگ مخصوص خود اکنون در مازندران و گرگان در پیشباز سال نو و روزهای نوروز می‌خوانند ظاهراً سابقه بسیار قدیمی دارد. اشعار قدیمی آن را ایرانیان پس از اسلام فراموش کردند و یا دگرگون کردند و اکنون اصل آنها در دست نیست لیکن از مضمون برگردان و موضوع آن می‌توان دریافت که یادگارهای پیش از اسلام است. اشعار نوروزی معمولاً در مقام شور خوانده می‌شود و برگردانها را ضربی و تند می‌خوانند و آهنگهای ضربی و غیر ضربی شهر وانو، زهرا زهرا، قمرناز (در مایه ترک و افشاری) بویژه آهنگ کتولی یا لیلی که بعضی از آنها ظاهراً بسیار قدیمی است هنوز متداول است. آهنگ لیلی جان چون با جمله «هی لیلی جان» آغاز می‌شود به هر دو نام لیلی جان یا کتولی معروف است. این آهنگ با عبارت «دلبر بنالم وای» پایان می‌گیرد. بعد از خواندن کتولی بلافاصله آهنگ ضربی را در دنباله آن می‌خوانند.»^۴

نوروزی خوانان در زمرة پیکهای نوروزی بشمار می‌آیند که آمدن بهار، شادی، سرسبزی و خرمی و پایان سرمای زمستانی را برای مردم به ارمغان می‌آورند، ازین رو نوروزخوانان مورد قبول و احترام مردم می‌باشند و هدایایی را از عموم مردم دریافت می‌کنند. نمونه‌ای از اشعاریکه نوروزخوانان در روستای «سما» مازندران می‌خوانند چنین است:

مژده دهید ای دوستان

این سال نو باز آمده
این نو بهار مبارک باد
این لاله‌زار مبارک باد

در آلاشت این اشعار را می‌خوانند:

نوروز سلطان آمده

باد بهاران آمده

گل در گلستان آمده

مژده دهید ای دوستان

نوروز سلطان آمده

نوروزی خوانانهای منطقه ذیلم و گیل ضمن آرزوی خوشبختی برای مردم و نوید فرا رسیدن بهار اشعاری می‌خوانند که معمولاً با این بیت شروع و پایان می‌یابد:

به حق سوره یاسین تبارک

شما را سال نو باشد مبارک
«با وجود تحولات اجتماعی این عصر و تأثیر تکنولوژی در زندگی مردم شهر و روستا خوشبختانه هنوز هم در گوشه و کنار گیلان زمین «نوروزی» خوانان با نغمه‌ها و تصنیف‌های دلنشین خود چند هفته قبل از موسم بهار مژده طلیعی نوروز، این جشن کهن و ملی را به «گیله مردان» می‌دهند. این ترانه‌ها معمولاً توسط دو یا چند تن از جوانان در کوچه‌ها و محلات شهر و یا در کنار خانه‌های روستایی اجرا می‌شود.»^۷

چند بیت از یک نوروزی متداول در منطقه رشت در زیر آمده می‌شود:

«بیا خانه خدا با عز و شوکت

ترا اقبال باشد مال و دولت

کنی قبر رضا را تو زیارت

سوی مکه شوی با استطاعت

سالم از من، سلامت از خداوند

زعباس وز اکبر یاد ما کن

بیاد ام لیلی شاد ما کن

بیا ای ام لیلی در بر من

بزن شانه به زلف اکبر من

سلام از من، سلامت از خداوند»^۸

۲- مراسم میرنوروزی در کردستان

«از سنت‌های ارزنده معمول در کردستان، مراسم مربوط به «میرنوروزی» است که در گذشته با تفصیل و تشریفات زیاد برگزار می‌شده و هم‌اکنون مختصراً در مهاجرات برپا می‌شود به این ترتیب که:

در اولین چهارشنبه سال نو، مردم از میان خود یک نفر را به «امیری» برمی‌گزینند و به او نام «میرنوروزی» یا «امیربهاری» می‌دهند. او در این روز به هنگام طلوع آفتاب بر تخت می‌نشیند. سپس مرد کوبال سیمین، در پیشگاه امیر بهاری تعظیم می‌کند تا افراد تشکیلات را معرفی کند که عبارتند از:

- کهن وزیر، که از میان پیران شوخ و بذله گو انتخاب می‌شود.

- وزیر دست راست که احکام منطقی صادر می‌کند.

- وزیر دست چپ که فرمانهای مسخره و عجیب می‌دهد.

- میرزا که باسواد است و سمت دبیری دارد.

- فراشان و خدمتگذاران.

- خنجر زنان یا جلالدان که لباسهای سرخ می‌پوشند.

- ساززن‌ها که معمولاً تعدادشان به ۲۵ نفر می‌رسد.

- آوازخوانان و سرودخوانان که گاهی دسته‌جمعی و گاهی نوبتی و بعضی بصورت مشاعره آواز می‌خوانند.»^۹



البته در روستاهای کردنشین شمال خراسان نیز مراسم «میرنوروزی» همراه با رقص و پایکوبی و دستوراتی که بیشتر درباره ازدواج پسران و دختران است انجام می‌شود.

۳- تکم چی در روستاهای اردبیل

«روستائیان اطراف اردبیل پیک‌هایی را به شهر می‌فرستند. اردبیلیها مقدم آنها را که نیک پی هستند و خوش‌شگون با نقل و شیرینی گرامی می‌دارند. پیک‌ها یک سینی بزرگ در دست دارند و شمعی در آن می‌افروزند و مقداری نقل و نبات و سبزه در سینی می‌گذارند و یک تمثال حضرت علی (ع) را در کنار آن می‌نهند و به در خانه‌ها می‌آیند. گروهی از اینان عروسکی به شکل شتر بدست می‌گیرند، این شترک را با تخته می‌سازند و با آینه و تکه پاره‌هایی از فرش و گلیم و منجوق‌های مختلف زینت می‌کنند و دمی بر آن می‌چسبانند و پری از مرغ یا خروس بر سرش می‌گذارند و به آن «تکه» Takka می‌گویند و آنها که این عروسک را بدست دارند «تکم چی Takamci» نامیده می‌شوند. آنان چنان رسیدن نوروز را به فریاد مژده می‌دهند که گوئی کسی جز آنان از نوروز خبری ندارد.

به جز این دسته‌ها، گروهی نیز از روستاهای اطراف سیلان به شهر می‌آیند و گلهای صحرائی و گل نوروز و سبزه با خود می‌آورند، اینان «یملیک چی Yemlik-ci» نامیده می‌شوند و «یملیک Yemlik» یا «شنگ» از سبزیهای صحرائی است. آنان در خانه‌ها را می‌کوبند و ترانه‌هایی در وصف نوروز می‌خوانند و دسته‌های گل با

کمی سبزی به خانواده‌ها می‌دهند و هر خانواده نیز به فراخور هدیه‌ای به آنان می‌بخشند»^{۱۰}

۴- حاجی فیروز

حاجی فیروز یکی از مشهورترین پیک‌های نوروزی است که با صورت سیاه کرده و پیراهن و شلوار قرمز و کلاه منگوله‌دار همراه با دایره زنگی در کوچه‌ها و خیابانهای بیشتر نقاط ایران به راه می‌افتد و اشعاری را با حالت مضحک به قصد شاد کردن مردم می‌خواند. حاجی فیروز برای مردم مژده رسیدن نوروز و سپری شدن روزهای سرد زمستانی را به همراه دارد. بیشتر مردم بویژه کودکان از دیدن حاجی فیروز شاد شده و علاقمند می‌شوند که در گوشه‌ای به پایکوبی و رقص بپردازند.

۵- توتن رانی در اطراف رود هیرمند در سیستان

«مهم‌ترین تفریح مردم سیستان در ایام نوروز «توتن رانی» است بر روی رودها و نهرها و رقص‌های شبانه در جلوی چادرها و خانه‌ها. سازهایشان در این مراسم ریاب و قیچک است. در سیستان روستائینی که روستاهایشان به هیرمندرود نزدیک است سنتی بسیار عمیق دارند که یادگار یک اعتقاد بسیار کهن و قدیمی است. بدین گونه پس از آن که مردم شامشان را که سبزی پلو است خوردند شتر زیبایی را آذین می‌بندند و دختر زیبایی بنام «هوشیدرا» بر آن می‌نشانند و با بوق و طبل و دهل و سرنا بسوی رود هیرمند می‌روند و تا پاسی از شب گذشته به شادی می‌پردازند. دخترک در گوشه‌ای دور از چشم جامعه از تن برمی‌گیرد و خود را به

آب هیرمند می‌سپارد و شستشو می‌کند. آنگاه که ستارگان رو به افول گذاشتند دخترک را با همین تشریفات به شهر برمی‌گردانند»^{۱۱}

در خاتمه ذکر این نکته ضروری است که سایر آئین‌های نوروزی از جمله چهارشنبه‌سوری، عید عرقه، سیزده‌بدر، سمپوزان، کوسه‌گردی و غیره نیز بدون همراهی آواز، موسیقی، نمایش و پایکوبی معنی و مفهومی در بین بیشتر مردم ایران ندارد. تحویل حلول سال نو نیز چندین سال است که با نوای ساز و نقاره از صدا و سیما اعلام می‌شود که نشانگر جایگاه والای موسیقی ایرانی در مراسم نوروز می‌باشد. □

فهرست منابع و مآخذ:

- ۱- راهنمای گردآوری سنتهای شفاهی، محمد طیب عثمان، ترجمه عطاءالله رهبر، از انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، سال ۱۳۷۱، صفحه ۱۵.
- ۲- نوروز، تاریخچه و مرجع‌شناسی، پرویز اذکالی، مرکز مردم‌شناسی وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۳، صفحه ۲.
- ۳- نوروز در کردستان، مصطفی کیوان، ۱۳۳۹، صفحه ۲۴.
- ۴- تاریخ موسیقی ایران، جلد ۲، صفحه ۶۵۳، حسن مشحون.
- ۵- نظری به موسیقی، بخش ۲، صفحه ۹، روح‌الله خالقی.
- ۶- تاریخ موسیقی ایران جلد ۲، حسن مشحون، ص ۵۰۱.
- ۷- مقاله نوروز و نوسال در گیلان، مجله هنر و مردم شماره ۱۶۲ سال ۲۵۲۵، دکتر عبدالکریم گلشنی.
- ۸- همانجا، ص ۴.
- ۹- آئین‌های نوروزی، مرتضی هنری، ص ۷۲، مرکز مردم‌شناسی ایران.
- ۱۰- همانجا، ص ۳۷ و ۳۸.
- ۱۱- همانجا، ص ۵۸ و ۵۹.